

بررسی مقاومت گندم به سرما با روش‌های آزمایشگاهی

اصغر میرزائی اصل^۱، بهمن یزدی صمدی^۲، عباسعلی زالی^۲ و سید یعقوب صادقیان مطهر^۳

چکیده

به منظور بررسی روش‌های ارزیابی مقاومت به سرما و تعیین روشی سریع و مؤثر در ارزیابی گندم برای مقاومت به سرما، ۹ ژنوتیپ در سه آزمایش بررسی گردید. ژنوتیپ‌ها عبارت بودند از پنج رقم تجاری (بزوستایا، سبلان، بولانی، خلیج و ناز) و چهار نمونه محلی (شماره‌های ۵۱۸، ۵۸۳، ۵۹۲ و ۱۲۵۵). در آزمایش اول، ژنوتیپ‌ها در گلدان‌های کوچک کشت، و پس از عادت‌دهی به سرما در شرایط طبیعی، به اتاقک انجماد منتقل شدند، و تحت درجات حرارت مختلف یخ‌زدگی (زیر صفر) قرار گرفتند و دمای ۵۰ درصد کشتندگی (LT_{50}) آنها تعیین گردید. در دمای ۱۲- درجه سانتی‌گراد نیز میزان پایداری غشای سیتوپلاسمی ژنوتیپ‌ها اندازه‌گیری شد. در آزمایش دوم، ژنوتیپ‌ها در مزرعه، در چارچوب طرح بلوک‌های کامل تصادفی کشت شدند، و پس از سازش با سرما در اواخر زمستان، با انتقال طوقه ژنوتیپ‌ها از مزرعه به آزمایشگاه، دمای ۵۰ درصد کشتندگی (LT_{50}) تعیین گردید. همچنین، محتوای آب طوقه و برگ، محتوای قند طوقه و ارتفاع گیاه در ژنوتیپ‌های مورد بررسی اندازه‌گیری شد. در آزمایش سوم، محتوای آب طوقه و برگ در شرایط ناسازگاری با سرما در گلخانه بررسی گردید.

در میان صفات مورد بررسی، پایداری غشای سیتوپلاسمی، محتوای آب طوقه و محتوای قند طوقه هم‌بستگی معنی‌داری با LT_{50} نشان دادند. LT_{50} حاصل از طوقه‌های مزرعه هم‌بستگی زیادی با LT_{50} حاصل از گلدان‌های کوچک در آزمایشگاه داشت ($r = 0/98$). پایداری غشای سیتوپلاسمی بیشترین هم‌بستگی را با LT_{50} ($r = 0/88$) نشان داد. مشخص شد که محتوای آب گیاه با عادت‌دهی به سرما کاهش می‌یابد، و میزان کاهش محتوای آب در ژنوتیپ‌های مقاوم بیشتر است. هم‌بستگی معنی‌داری بین محتوای آب طوقه و برگ در شرایط ناسازگاری با سرما و LT_{50} دیده نشد. رقم بزوستایا با داشتن $LT_{50} = -16/7^{\circ}C$ مقاوم‌ترین ژنوتیپ، و نمونه ۵۱۸ با $LT_{50} = -8/2^{\circ}C$ حساس‌ترین ژنوتیپ به سرما شناخته شد.

واژه‌های کلیدی: مقاومت به سرما، گندم نان، دمای ۵۰٪ کشتندگی (LT_{50}) پایداری غشای سیتوپلاسمی

۱. دانشجوی سابق کارشناسی ارشد اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران

۲. استاد اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران

۳. پژوهشیار اصلاح نباتات، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر چغندر قند، کرج

مقدمه

توانایی گیاه برای زنده ماندن در زمستان‌های سخت را مقاومت زمستانه گویند. این صفت از طریق اندازه‌گیری ماندگاری در مزرعه تعیین می‌شود (۶). یکی از مشکلات اصلی در مزرعه ناتوانی در کنترل شدت تنش سرما می‌باشد. به همین دلیل، تلفات کامل در زمستان یا فقدان تلفات، در بیشتر آزمایش‌های ماندگاری در مزرعه وجود دارد، که مانع از نتیجه‌گیری می‌شود. از این رو، پژوهشگر باید در انتظار زمستانی با حساسیت مطلوب باشد، و یا مواد اصلاحی را در سطح گسترده‌ای ارزیابی کند، به امید این که تنش مورد نظر را در یک یا چند مکان به دست آورد. افزون بر آن، در شدت تنش سرما در آزمایش‌های مزرعه ای هم روندی وجود ندارد، و اغلب اشتباه آزمایشی زیاد است (۴).

پژوهش‌های بسیاری برای یافتن روش‌های ارزیابی سریع و مؤثر انجام شده است تا بتوان مقاومت به سرمای ارقام را پیشگویی نمود (۶). اتاقک‌های انجماد که مقاومت گیاهان را می‌توان در آنها به سرعت آزمایش کرد، نخست به وسیله هاروی در سال ۱۹۱۸ ابداع شد (برگرفته از ۹). وی با انجماد شماری وارسته سبب، خسارت آنها را با توجه به مقاومت یا حساسیت رتبه‌بندی کرد. پژوهشگران سوئدی از این روش استفاده کردند و رتبه عددی از یک تا ده را برای مقاومت به کار بردند. تعیین دمایی که سبب ۵۰ درصد تلفات (LT50) یا Lethal Temperature 50) در گیاه شود یک روش مناسب برای اندازه‌گیری مقاومت به سرما است. در این روش گیاهان در شرایط کنترل شده در دماهای مختلف قرار می‌گیرند و ماندگاری آنها تعیین می‌گردد (۹). تعیین LT50 طوقه بهترین روش برآورد ماندگاری در مزرعه می‌باشد، زیرا طوقه گیاه در غلات بحرانی‌ترین قسمت گیاه است و در رشد دوباره پس از تنش سرما نقش حیاتی دارد (۷).

فولر و همکاران (۶) به منظور بررسی روش‌های ارزیابی مقاومت به سرما و تعیین سودمندی آنها، ۳۴ صفت فیزیولوژیک، بیوشیمیایی و مورفولوژیک را در ۳۶ رقم گندم زمستانه

اندازه‌گیری نمودند. این ارقام سه سال کشت شدند و در هر سال صفات مورد نظر اندازه‌گیری شد. در میان این صفات LT50، محتوای آب طوقه، محتوای آب برگ، ارتفاع گیاه، محتوای فسفر طوقه و محتوای کل قند طوقه همبستگی زیادی با شاخص ماندگاری در مزرعه داشتند.

پولی (۱۰) هدایت الکتریکی برگ گیاه سازش یافته با سرما و خسارت دیده در آزمایش انجماد را با نتایج انجماد ۹ رقم گندم، ۱۰ رقم چاودار و ۱۲ رقم شبدر قرمز (*Trifolium pratense*) در مزرعه مقایسه کرد. در گندم زمستانه و شبدر قرمز هدایت الکتریکی گیاهان سازش یافته همبستگی معنی‌داری با نتایج مزرعه داشت، ولی این رابطه در گیاه چاودار دیده نشد. نتایج نشان داد که هدایت الکتریکی روش مفیدی برای انتخاب ارقام مقاوم در اصلاح گیاهان است.

هومر (۸) توانایی سازش با سرما را در ۱۲ رقم گندم، ۸ رقم چاودار و ۵ رقم جو از طریق هدایت الکتریکی بررسی نمود، و نتیجه گرفت که روش هدایت الکتریکی می‌تواند برای تعیین ماندگاری زمستانه استفاده شود.

هدف از انجام این پژوهش بررسی روش‌های گوناگون آزمایشگاهی، برای ارزیابی مقاومت به سرما در گندم، و تعیین روشی سریع و مؤثر برای این منظور است.

مواد و روش‌ها

تعداد ۹ رقم و رگه گندم شامل پنج رقم تجاری و چهار رگه از کلکسیون دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران انتخاب شد، و در سه آزمایش بررسی گردید.

آزمایش اول

برای تعیین LT50 ژنوتیپ‌های مورد بررسی و اندازه‌گیری پایداری غشای سیتوپلاسمی آنها، ده گلدان کوچک برای هر ژنوتیپ در نظر گرفته شد، تا امکان قرار دادن آنها در اتاقک انجماد موجود باشد. درون گلدان‌ها مخلوطی از خاک زراعی و کود دامی به نسبت مساوی ریخته شد، و در هر گلدان ده بذر

داده شدند. پس از آخرین قرائت هدایت الکتریکی، نمونه‌ها به داخل انکوباتور منتقل گردیدند و نیم ساعت در دمای 90°C قرار گرفتند. پس از سرد شدن نمونه‌ها، هدایت الکتریکی نهایی اندازه‌گیری شد. برای اندازه‌گیری هدایت الکتریکی نمونه‌ها از دستگاه هدایت‌سنج متروم (Metrohm)، استفاده شد و با استفاده از فرمول زیر درصد تراوش الکترولیتی تعیین گردید (۲).

$$EL(\%) = \frac{C_t}{C_{tot}} \times 100$$

در این فرمول C_t هدایت الکتریکی در زمان‌های مختلف، C_{tot} هدایت الکتریکی نهایی، و EL درصد تراوش الکترولیتی است.

تجزیه واریانس داده‌های مربوط به تراوش الکترولیتی در چارچوب طرح کرت‌های خرد شده با دو مشاهده انجام شد. عامل اصلی زمان‌های مختلف اندازه‌گیری هدایت الکتریکی، و عامل فرعی ژنوتیپ بود.

آزمایش دوم

به منظور بررسی انجماد مصنوعی طوقه گیاه و اندازه‌گیری برخی صفات مرتبط با سرما در شرایط سازش با سرما به طور طبیعی، ۹ ژنوتیپ مورد نظر در سال زراعی ۱۳۷۷-۷۸ در چارچوب طرح بلوک‌های کامل تصادفی با دو تکرار در مزرعه کشت گردید. هر واحد آزمایشی شامل دو خط دو متری بود، که روی پشته‌هایی با فواصل ۵۰ سانتی‌متر قرار داشتند.

در این آزمایش LT50 طوقه، محتوای آب طوقه، محتوای آب برگ، محتوای قند طوقه و ارتفاع (ایستادگی) گیاه اندازه‌گیری شد. برای اندازه‌گیری LT50 در اسفندماه ۵۰ بوته از هر واحد آزمایشی برداشت گردید. سه سانتی‌متر بالای طوقه و یک سانتی‌متر زیر طوقه آنها قطع، و طوقه‌ها به داخل اتاقک انجماد منتقل شدند، و به مدت شش ساعت در $4-3^{\circ}\text{C}$ سانتی‌گراد و ۱۲ ساعت در $3-1^{\circ}\text{C}$ سانتی‌گراد قرار گرفتند. سپس در هر ساعت دو درجه سانتی‌گراد دما کاهش داده شد. دماهای مورد آزمایش ۴-، ۸-، ۱۱-، ۱۳- و ۱۵- درجه سانتی‌گراد بود. در هر دما از هر واحد آزمایشی ۱۰ بوته

کاشته و در گلخانه قرار داده شد. پس از جوانه‌زنی و پیدایش نخستین برگ، گلدان‌ها در آذرماه به بیرون از گلخانه منتقل گردیدند تا به طور طبیعی به سرما سازش یابند. گلدان‌ها در اسفندماه همان سال به اتاقک انجماد (ازنوع Kottermann آلمانی به ابعاد $115 \times 66 \times 66$ سانتی‌متر و با دامنه دمای $20-^{\circ}\text{C}$ تا $60+^{\circ}\text{C}$ درجه سانتی‌گراد) منتقل، و به مدت ۱۲ ساعت در دمای $3-1^{\circ}\text{C}$ درجه سانتی‌گراد و ۱۲ ساعت در دمای $3-^{\circ}\text{C}$ درجه سانتی‌گراد قرار داده شدند. پس از آن هر یک ساعت دو درجه سانتی‌گراد دما کاهش داده شد، و در هر یک از دماهای ۶-، ۸-، ۱۲-، ۱۶- و ۱۷- درجه سانتی‌گراد، از هر ژنوتیپ دو گلدان از داخل اتاقک انجماد خارج شد، و بی‌درنگ گلدان‌های خارج شده در دمای 1°C به مدت شش ساعت نگهداری شدند. سپس گلدان‌ها ۱۲ ساعت در دمای $3-4^{\circ}\text{C}$ درجه سانتی‌گراد قرار گرفتند، و پس از سپری شدن این مدت به گلخانه منتقل گردیدند. پس از دو هفته بوته‌ها ارزیابی شده و بوته‌های زنده مانده در هر گلدان شمارش شدند. با استفاده از رسم نمودار، دمایی که در آن ۵۰ درصد بوته‌های هر ژنوتیپ از بین رفتند (LT50) تعیین گردید.

برای تعیین پایداری غشای سیتوپلاسمی، از روش اندازه‌گیری تراوش الکترولیتی (Electrolyte leakage) استفاده شد. برای این کار از هر ژنوتیپ در دمای $12-^{\circ}\text{C}$ درجه سانتی‌گراد دو گلدان از اتاقک انجماد خارج شد، و از هر گلدان دو نمونه برای اندازه‌گیری تراوش الکترولیتی مورد استفاده قرار گرفت. برای تهیه هر نمونه، دو قطعه برگ از بوته‌های هر گلدان جدا و در داخل قوطی‌های پلاستیکی گذاشته شد، و مقدار ۲۰ میلی‌لیتر آب مقطر داخل آن ریخته شد. در ضمن، یک نمونه شاهد از گندمی که تحت تنش سرما قرار نگرفته بود و در دمای $3-4^{\circ}\text{C}$ درجه سانتی‌گراد قرار داشت تهیه شد.

برای تعیین بهترین زمان اندازه‌گیری هدایت الکتریکی، ۱، ۲/۵، ۵/۵، ۱۴/۵ و ۱۸/۵ ساعت پس از تهیه نمونه، میزان هدایت الکتریکی آنها اندازه‌گیری شد. در طول این مدت نمونه‌ها به طور مرتب در دستگاه تکان دهنده (Shaker) تکان

بذرهای ۹ ژنوتیپ مورد بررسی در ظروف پتری کشت و پس از جوانه زنی به مدت ۵۰ روز در دمای ۱-۳ درجه سانتی گراد در یخچال نگهداری شدند تا نیاز آنها به سرما برای بهاره سازی (ورنالیزاسیون) تأمین گردد. سپس هر ژنوتیپ در چهار گلدان، و در هر گلدان هشت بذر دارای جوانه کاشته شد، و به صورت طرح بلوک های کامل تصادفی با چهار تکرار در گلخانه قرار گرفت. پس از این که گیاهچه ها به مرحله چهار برگی رسیدند، محتوای آب طوقه و برگ آنها طبق روش ذکر شده در آزمایش دوم اندازه گیری شد.

نتایج و بحث

مقادیر LT50 ژنوتیپ های مورد بررسی در آزمایش اول [۱) LT50 اندازه گیری شده از گلدان های کوچک] و آزمایش دوم [۲) LT50 اندازه گیری شده از طریق طوقه گیاهان منتقل شده از مزرعه]، در شکل ۱ دیده می شود. بزوستایا بیشترین مقاومت به سرما را در میان ژنوتیپ ها داشت، و رقم سیلان نیز مقاومت خوبی نشان داد. رگه ۵۸۳ دارای مقاومت متوسط و رگه ۵۱۸ کمترین مقاومت را به سرما داشت.

ضریب هم بستگی بین (۱) LT50 و (۲) LT50 محاسبه و مشاهده شد که هم بستگی شدیدی میان دو LT50 وجود دارد ($r=0.980$). به منظور مقایسه میانگین های LT50 ژنوتیپ ها، مقادیر LT50 آزمایش اول به عنوان یک تکرار و مقادیر LT50 آزمایش دوم به عنوان تکرار دیگر، به صورت طرح بلوک با دو تکرار مورد تجزیه آماری قرار گرفت، که نتیجه آن در جدول ۱ آورده شده است. ژنوتیپ ها (تیمارها) تفاوت بسیار معنی داری (در سطح ۰/۱ درصد) با هم داشتند. تفاوت میان تکرارها (بلوک ها) نیز در سطح ۰/۱ درصد معنی دار بود. نتایج نشان داد که ژنوتیپ ها در مزرعه مقاومت بیشتری به سرما نسبت به گیاهان در گلدان دارند. مقایسه میانگین ژنوتیپ ها برای LT50 انجام شد، که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

نتایج اندازه گیری درصد تراوش الکترولیتی در آزمایش اول نشان داد که زمان های مختلف اندازه گیری درصد هدایت

بیرون آورده شد، و بی درنگ به یخچال انتقال یافت، و مدت شش ساعت در دمای ۱- درجه و ۱۲ ساعت در دمای ۳-۴ درجه سانتی گراد قرار گرفت. طوقه ها پس از این مدت از یخچال خارج شدند. طوقه های هر ژنوتیپ مربوط به یک دما و یک تکرار با هم در کاغذ صافی پیچیده و در قوطی های پلاستیکی جای داده شدند. مقدار کمی محلول هوگلند (Hoagland) در هر قوطی ریخته شد. پس از یک هفته طوقه های زنده رشد یافته بودند. شمار طوقه های زنده در هر قوطی پلاستیکی یادداشت شد، و با استفاده از رسم نمودار، دمایی که در آن ۵۰ درصد بوته های هر ژنوتیپ از بین رفته بودند (LT50) تعیین گردید (۶).

برای اندازه گیری محتوای آب طوقه و برگ در شرایط سازش با سرما، از هر واحد آزمایشی دو نمونه، که هر کدام شامل ده بوته بود، برداشت شد. نیم سانتی متر از زیر طوقه و سه سانتی متر از بالای طوقه هر بوته قطع، و بلافاصله وزن تر برگ ها و طوقه های هر نمونه جداگانه توزین گردید. پس از توزین، نمونه ها داخل پاکت هایی قرار داده شد و به داخل انکوباتور منتقل گردید، و به مدت ۲۴ ساعت در ۸۰ درجه سانتی گراد قرار گرفت تا خشک شوند. سپس وزن خشک طوقه و برگ ها با دقت ۰/۰۰۱ g اندازه گیری، و با استفاده از فرمول های زیر درصد آب طوقه و برگ تعیین گردید (۶).

$$\text{وزن خشک طوقه - وزن تر طوقه} = \frac{\text{وزن تر طوقه}}{\text{وزن تر خشک برگ}} \times 100 = \text{درصد آب برگ}$$

برای اندازه گیری قندهای محلول در شرایط سازش با سرما، طوقه های گیاهان از مزرعه برداشت شدند، و پس از خشک و آسیاب شدن با روش فنل اسید سولفوریک و با دستگاه اسپکتروفتومتر، محتوای قندهای محلول طوقه اندازه گیری شد (۳). در همان زمان ارتفاع گیاه از زمین نیز تعیین گردید (۶).

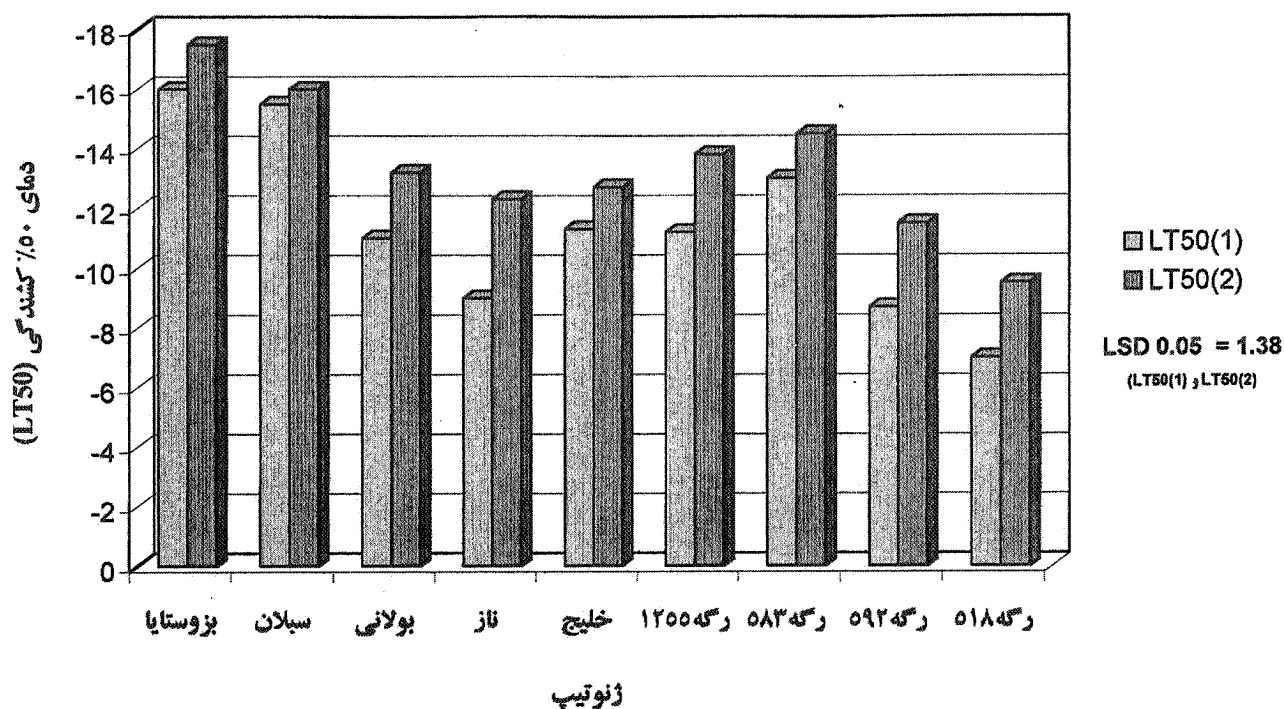
آزمایش سوم

برای بررسی آب طوقه و برگ در شرایط ناسازگاری با سرما،

جدول ۱. خلاصه نتایج تجزیه داده‌های آزمایش‌های ۱، ۲ و ۳

شماره آزمایش	CV	F تیمار (ژنوتیپ)	F بلوک (تکرار)	صفت
۲	۲۶/۰۲	۶/۲۲۵**	۰/۰۳۳۵ ^{ns}	قند طوقه
۱ و ۲	۴/۹۶	۳۸/۰۲***	۴۸/۹۶***	LT50
۲	۱/۰۴	۴/۳۳*	۰/۸۷۶۲ ^{ns}	آب طوقه در شرایط سازش با سرما
۲	۰/۷۴	۷/۹۶**	۲/۷۳۳ ^{ns}	آب برگ در شرایط سازش با سرما
۳	۱/۳۸	۲/۶۲۷**	۵/۳۴**	آب طوقه در شرایط ناسازگاری با سرما
۳	۱/۷۳	۲/۱۱۹ ^{ns}	۱/۷۴۹ ^{ns}	آب برگ در شرایط ناسازگاری با سرما
۲	۹/۸۶	۳۴/۱۵***	۰/۱۶۴۸ ^{ns}	ارتفاع گیاه
۱	۹/۰۱	۵/۶۲۴**	-	تراوش الکترولیتی در زمان چهارم

***، ** و ns: به ترتیب معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۰۱ و غیرمعنی‌دار



شکل ۱. نمایش LT50 ژنوتیپ‌های مورد مطالعه در آزمایش اول (LT50(1)) و آزمایش دوم (LT50(2))

را به بیرون از سلول منتقل نماید، تعیین گردد. تغییرات درصد تراوش الکترولیتی برای میانگین همه ژنوتیپ‌ها (جدول ۳) نشان می‌دهد که هدایت الکتریکی با گذشت زمان افزایش می‌یابد، و این افزایش در قرائت‌های اولیه زیاد، ولی با گذشت زمان تغییر هدایت الکتریکی کم شده و به یک حالت ثابتی

الکتریکی تفاوت معنی‌داری در سطح ۱٪ دارند. در نتیجه، فاصله زمانی میان گذاشتن بافت گیاه در داخل آب مقطر تا زمان قرائت هدایت الکتریکی، بر درصد تراوش الکترولیتی تأثیر می‌گذارد، و باید مدت زمان لازم که بافت گیاه خسارت دیده نیاز دارد تا یون‌های داخل سلول‌های خسارت دیده خود

این نتایج با گزارش‌های پژوهشگران دیگر (۵، ۶ و ۷) همخوانی دارد.

هم‌بستگی معنی‌داری ($r=0.75$) میان محتوای آب طوقه و $LT50(1)$ ، و نیز میان آب طوقه و $LT50(2)$ ($r=0.78$) دیده شد (جدول ۵). هم‌بستگی محتوای آب برگ با $LT50$ معنی‌دار نبود، که می‌تواند ناشی از شرایط محیطی زمان اندازه‌گیری و میزان تبخیر آب از سطح برگ (با توجه به بالا بودن سطح ویژه برگ نسبت به طوقه) باشد.

تجزیه واریانس محتوای آب طوقه و برگ ژنوتیپ‌های مورد بررسی در شرایط ناسازگاری با سرما (آزمایش سوم) نشان داد که ژنوتیپ‌ها از لحاظ محتوای آب طوقه تفاوت معنی‌داری با هم دارند. شکل‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهند که محتوای آب گیاه با عادت دادن آن به سرما کاهش می‌یابد. در پژوهش‌های مشابه دیگران نیز دیده شده است که کاهش میزان آب طوقه و برگ راه‌کاری برای افزایش مقاومت به سرما است (۷ و ۱۱).

هم‌بستگی معنی‌داری میان محتوای آب طوقه و برگ در شرایط ناسازگاری با سرما با $LT50$ مشاهده نشد (جدول ۵). تجزیه واریانس میزان قندهای محلول در طوقه در شرایط سازش با سرما (جدول ۱)، نشان می‌دهد که ژنوتیپ‌ها در سطح ۱٪ تفاوت معنی‌داری با هم دارند. گروه‌بندی ژنوتیپ‌ها (جدول ۲) بیانگر آن است که دو رقم مقاوم بزوستایا و سبلان نسبت به ژنوتیپ‌های دیگر از میزان قندهای محلول بالاتری برخوردار هستند. این صفت هم‌بستگی معنی‌داری با $LT50$ دارد (جدول ۵).

تجزیه آماری داده‌های مربوط به ارتفاع گیاه نشان داد که میان ژنوتیپ‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۱). رابطه ارتفاع گیاه با $LT50(1)$ و با $LT50(2)$ در ژنوتیپ‌های مورد بررسی معنی‌دار نمی‌باشد (جدول ۵). هم‌بستگی منفی و معنی‌داری میان مقاومت به سرما و ارتفاع گیاه گزارش شده است (۵)، به طوری که ژنوتیپ‌های مقاوم به سرما ارتفاع کمتری نسبت به ژنوتیپ‌های حساس دارند. این مسئله در مورد رقم سبلان (۷/۱ سانتی‌متر) صادق است، ولی

نزدیک می‌شود. گروه‌بندی زمان‌های اندازه‌گیری با آزمون دانکن (جدول ۳) نشان داد که تفاوت معنی‌داری میان زمان چهارم و پنجم وجود ندارد، و مناسب‌ترین زمان برای اندازه‌گیری هدایت الکتریکی تقریباً ۱۵ ساعت پس از قرار دادن نمونه‌های برگ در داخل آب مقطر است.

گروه‌بندی میانگین درصد تراوش الکترولیتی (هدایت الکتریکی) ژنوتیپ‌ها در زمان‌های مختلف اندازه‌گیری در جدول ۴ آمده است. این جدول گویای آن است که اندازه‌گیری هدایت الکتریکی در زمان اول تفاوت میان ژنوتیپ‌ها را نشان نمی‌دهد. در زمان‌های چهارم و پنجم، گروه‌بندی ژنوتیپ‌ها مشابه هم هستند، و می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی‌داری میان زمان چهارم و پنجم وجود ندارد. شکل ۲ این موضوع را آشکارا نشان می‌دهد.

گروه‌بندی ژنوتیپ‌ها در زمان چهارم بیانگر این است که ارقام بزوستایا و سبلان با ژنوتیپ‌های دیگر تفاوت چشم‌گیری دارند. این دو رقم دارای کمترین میزان تراوش یون‌های سیتوپلاسمی به خارج سلول هستند، و در نتیجه بیشترین پایداری غشای سیتوپلاسمی را در ژنوتیپ‌های مورد بررسی دارند. روند تغییر میزان تراوش الکترولیتی در بزوستایا با گذشت زمان مشابه نمونه شاهد می‌باشد، که تحت تنش سرما قرار نگرفته است (جدول ۲). هم‌بستگی شدید میزان تراوش الکترولیتی با $LT50$ (جدول ۵) نشان‌دهنده کارایی این روش در ارزیابی مقاومت به سرما است.

نتایج اندازه‌گیری محتوای آب طوقه و برگ در شرایط سازش با سرما

تجزیه واریانس ژنوتیپ‌های مورد بررسی در شرایط سازش با سرما تفاوت معنی‌داری در میزان آب طوقه و برگ نشان داد (جدول ۱). گروه‌بندی میانگین‌ها (جدول ۲) نشان داد که ژنوتیپ‌های مقاوم به سرما همچون سبلان و بزوستایا، میزان آب طوقه و برگ کمتری دارند، و ژنوتیپ‌های حساس مانند رگه ۵۱۸، از محتوای آب طوقه و برگ بیشتری برخوردار هستند.

جدول ۲. مقایسه میانگین ژنوتیپ‌های مورد بررسی به روش دانکن

ژنوتیپ	LT50 (درجه سانتی‌گراد)	محتوای قند (mg/g)	محتوای آب طوقه در شرایط سازش (%)	محتوای آب برگ در شرایط سازش (%)	میزان هدایت الکتریکی در زمان چهارم (%)	ارتفاع گیاه (cm)	محتوای آب طوقه در شرایط ناسازگاری (%)	محتوای آب برگ در شرایط ناسازگاری (%)
(آزمایش ۱ و ۲)	(آزمایش ۲)	(آزمایش ۲)	(آزمایش ۲)	(آزمایش ۲)	(آزمایش ۱)	(آزمایش ۲)	(آزمایش ۳)	(آزمایش ۳)
بزوستایا	-۱۶/۷ ^a	۱۵۸/۱ ^a	۸۰/۱۵ ^{bc}	۷۹/۳۰ ^{cd}	۱۴/۳۰ ^b	۱۲/۴ ^b	۸۶/۳۳ ^{ab}	۸۴/۲۳ ^a
سبلان	-۱۵/۷ ^a	۱۶۳/۱ ^a	۷۸/۸۷ ^c	۷۸/۶۵ ^{cd}	۲۴/۹۶ ^b	۷/۱ ^a	۸۴/۶۷ ^{bc}	۸۲/۹۹ ^a
۵۸۳	-۱۳/۷ ^b	۱۳۷/۸ ^b	۷۹/۸۰ ^{bc}	۷۸/۸۲ ^{cd}	۵۵/۰۱ ^a	۸/۹ ^{cd}	۸۴/۶۶ ^{bc}	۸۲/۰۹ ^a
۱۲۵۵	-۱۲/۵ ^{bc}	۱۳۲/۸ ^b	۸۰/۴۵ ^{bc}	۷۸/۴۶ ^d	۶۷/۹۴ ^a	۶/۸ ^d	۸۳/۸۳ ^c	۸۲/۵۳ ^a
بولانی	-۱۲/۱ ^{cd}	۱۲۹/۳ ^b	۸۱/۱۲ ^{ab}	۸۱/۵۸ ^{ab}	۵۹/۵۴ ^a	۱۲/۳ ^b	۸۶/۶۵ ^a	۸۴/۳۹ ^a
خلیج	-۱۲ ^{cd}	۱۲۸/۷ ^b	۸۱/۸۶ ^{ab}	۸۰/۳۴ ^{bc}	۸۰/۳۳ ^a	۶/۸ ^d	۸۵/۲۲ ^{abc}	۸۲/۵۶ ^a
ناز	-۱۰/۶ ^{de}	۱۳۰/۷ ^b	۸۱/۲۱ ^{ab}	۸۰/۱۴ ^{bcd}	۷۸/۵۹ ^a	۱۷/۱ ^a	۸۵/۱۴ ^{abc}	۸۱/۱۶ ^a
۵۹۲	-۱۰/۱ ^e	۱۱۷/۲ ^b	۸۰/۳۵ ^{bc}	۷۸/۷۴ ^{cd}	۸۶/۱۴ ^a	۱۹/۳ ^a	۸۴/۱۲ ^c	۸۲/۲۸ ^a
۵۱۸	-۸/۲ ^f	۱۳۷/۰ ^b	۸۳/۲۳ ^a	۸۲/۲۲ ^a	۷۴/۳ ^a	۹/۹ ^{bc}	۸۵/۶۷ ^{ab}	۸۲/۰۶ ^a

میانگین‌های ژنوتیپ‌هایی که دارای یک حرف مشترک هستند فاقد تفاوت معنی‌دار هستند.

جدول ۳. مقایسه میانگین زمان‌های مختلف اندازه‌گیری هدایت الکتریکی

درصد میانگین	زمان اندازه‌گیری
۱۳/۴۲ ^b	اول
۲۲/۷۰ ^{ab}	دوم
۴۰/۷۴ ^{ab}	سوم
۶۲/۶۱ ^a	چهارم
۶۶/۶۳ ^a	پنجم

میانگین‌هایی که دارای یک حرف مشترک هستند تفاوت معنی‌داری با هم ندارند ($\alpha=0/05$).

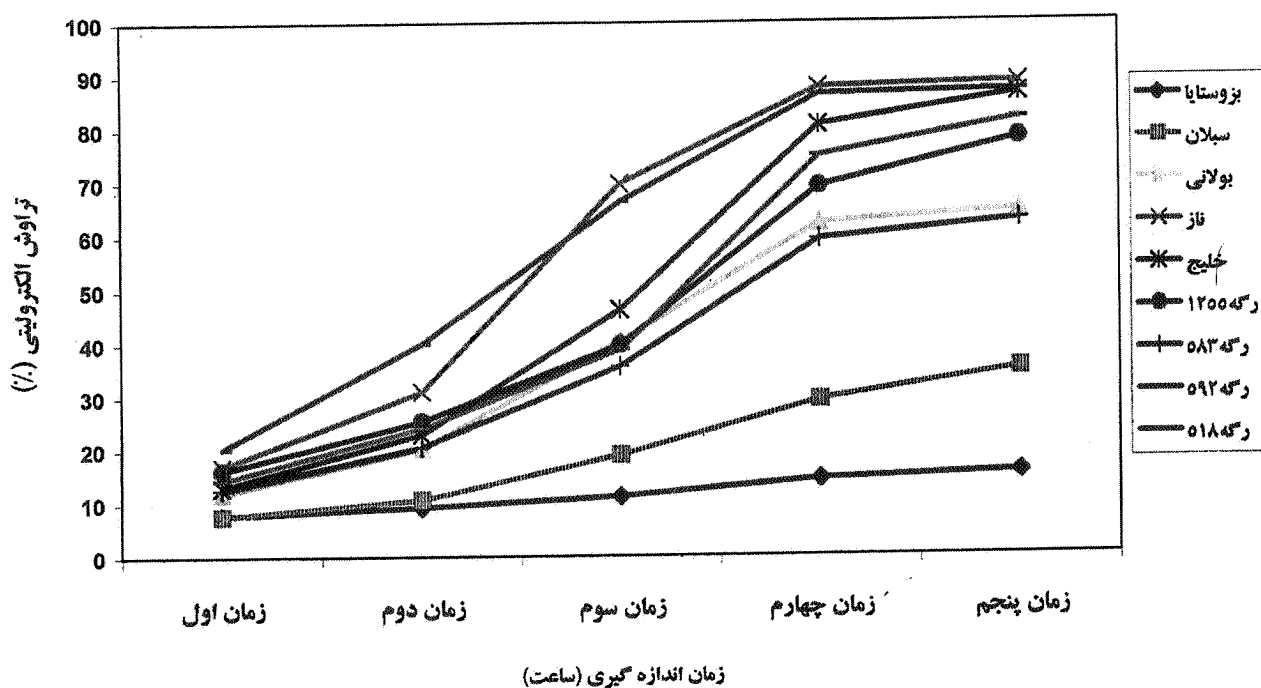
جدول ۴. مقایسه میانگین میزان هدایت الکتریکی در زمان‌های مختلف اندازه‌گیری (آزمایش اول)

ژنوتیپ	زمان اول میانگین	زمان دوم میانگین	زمان سوم میانگین	زمان چهارم میانگین	زمان پنجم میانگین
بزوستایا	۷/۸ ^a	۹/۲۷ ^c	۱۱/۲۱ ^c	۱۴/۴ ^b	۱۵/۶۲ ^c
سبلان	۷/۶۲ ^a	۱۰/۶۷ ^{bc}	۱۸/۹۴ ^{bc}	۲۹/۱۵ ^b	۳۴/۹۷ ^{bc}
۵۸۳	۱۲/۶۵ ^a	۲۰/۵۷ ^{abc}	۳۵/۶۹ ^{ab}	۵۹/۲۵ ^a	۶۲/۸۱ ^{ab}
بولانی	۱۱/۸۹ ^a	۲۰/۲۶ ^{abc}	۴۰/۲۱ ^{ab}	۶۲/۱۹ ^a	۶۴/۵ ^a
۱۲۵۵	۱۶/۲ ^a	۲۵/۴۱ ^{abc}	۳۹/۶۵ ^{ab}	۶۹/۱۲ ^a	۷۸/۱۰ ^a
۵۱۸	۱۴/۳۱ ^a	۲۴/۱۳ ^{abc}	۳۸/۷۲ ^{ab}	۷۴/۸۱ ^a	۸۱/۶۹ ^a
خلیج	۱۳/۰۶ ^a	۲۲/۹۸ ^{abc}	۴۶/۲۵ ^a	۸۰/۶ ^a	۸۶/۴۷ ^a
۵۹۲	۲۰/۲۴ ^a	۴۰/۰۲ ^a	۶۶/۳۱ ^a	۸۶/۳۷ ^a	۸۶/۹۹ ^a
ناز	۱۶/۹۵ ^a	۳۰/۹۷ ^{ab}	۶۹/۶۷ ^a	۸۷/۶۳ ^a	۸۸/۵۴ ^a

جدول ۵. همبستگی صفات مورد بررسی در آزمایش‌های ۱ و ۲ و ۳ مقاومت گندم به سرما

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱	LT50(۱)=۱
									۱	LT50(۲)=۲
									۱	LT50(۳)=۳
									۱	میانگین
									۱	۴= هدایت الکتریکی در زمان چهارم
									۱	۵= محتوای آب طوقه در شرایط سازش با سرما
									۱	۶= محتوای آب برگ در شرایط سازش با سرما
									۱	۷= محتوای آب طوقه در شرایط ناسازگاری
									۱	۸= محتوای آب برگ در شرایط ناسازگاری
									۱	۹= محتوای قند طوقه
									۱	۱۰= ارتفاع گیاه
۱	-۰/۴۴۲	-۰/۱۶۳	۰/۰۷۹	۰/۰۴۵	۰/۰۵۶	۰/۲۶۵	۰/۳۴۸	۰/۲۷۵	۰/۴۰۳	

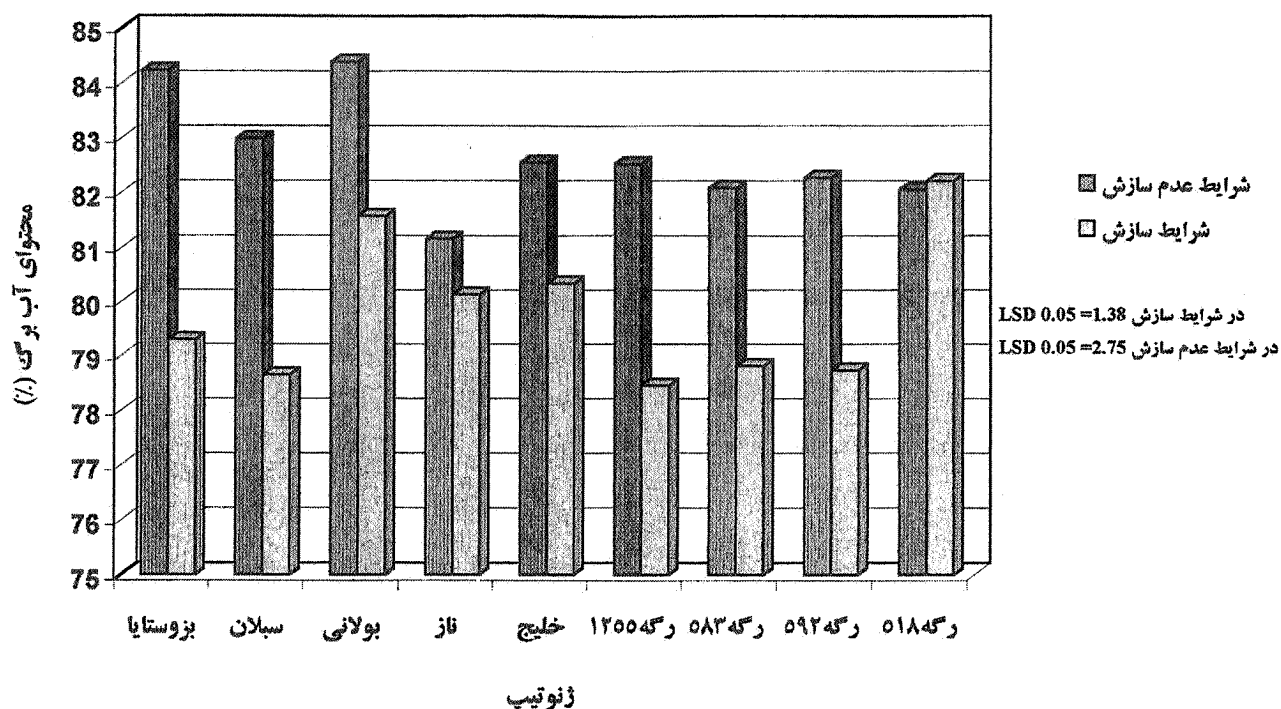
* و **: به ترتیب معنی‌دار در سطح احتمال ۵ و ۱ درصد



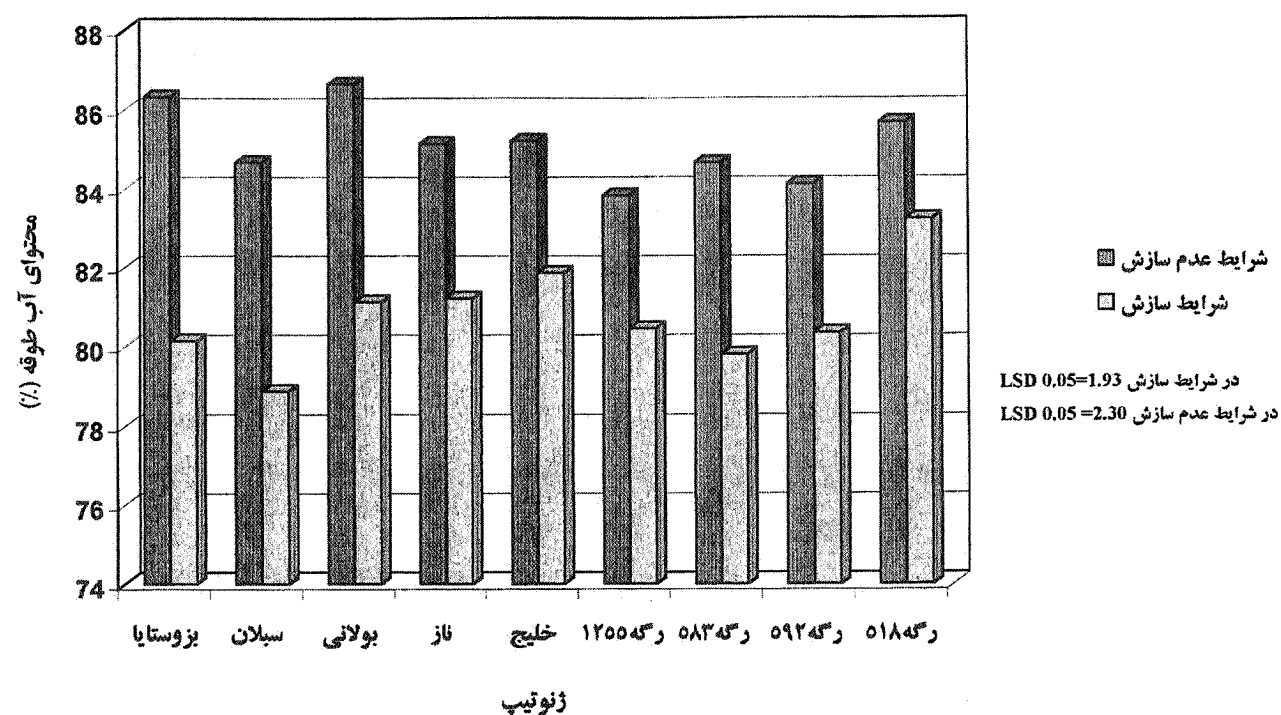
شکل ۲. میزان تراوش الکترولیتی ژنوتیپ‌های مورد مطالعه در زمان‌های مختلف (آزمایش اول)

یخ‌زدگی به عنوان عامل اصلی محدود کننده در مزرعه شناخته شده است (۹). تعیین LT50 یک رقم، بهترین روش برآورد مقاومت زمستانه است، و بیشترین تکرارپذیری را دارد. با وجود این LT50 یک روش مخرب است و گیاه را از بین می‌برد، و در یک بوته هم نمی‌توان LT50 را تعیین نمود. با در نظر گرفتن این که در میان صفات مورد بررسی،

بزوستایا که مقاوم به سرما است ارتفاع متوسطی (۱۲/۴ سانتی‌متر) دارد. به طور کلی، رابطه رشد گیاه در طول زمستان با مقاومت به سرما منفی است (۹). با وجود این که مقاومت زمستانه ارقام شامل تحمل تنش‌های بسیاری همچون تنش یخ‌زدگی، پوشش یخ، بیماری‌ها، قطع شدن طوقه و خشکی است، ولی دمای



شکل ۳. نمایش میانگین محتوای آب برگ ژنوتیپ‌های مورد مطالعه در شرایط سازش و عدم سازش به سرما (آزمایش ۲ و ۳)



شکل ۴. نمایش میانگین محتوای آب طوقه ژنوتیپ‌های مورد مطالعه در شرایط سازش و عدم سازش به سرما (آزمایش ۲ و ۳)

است، اندازه‌گیری تراوش الکترولیتی، به دلیل کم هزینه بودن، وقت‌گیر نبودن و کارایی بسیار در ارزیابی حجم زیادی از ژرم -

میزان تراوش الکترولیتی، که بیانگر پایداری غشای سیتوپلاسمی است، بیشترین هم‌بستگی را با LT50 نشان داده

پلاسسم، روش مفیدی در ارزیابی برای مقاومت به سرما می‌باشد. افزون بر آن، غیر مخرب بودن این روش امکان استفاده از آن را در نسل‌های در حال تفکیک فراهم می‌کند، به طوری که با نمونه‌گیری از برگ یک بوته، بدون این که موجب از بین رفتن آن شود، می‌توان میزان مقاومت آن را به سرما ارزیابی نمود.

منابع مورد استفاده

1. Andrews, C. J., M. K. Pomeroy, W. L. Seaman, G. Bulter, P. C. Bonn and G. Hoekstra. 1997. Relationships between plantinjing date, winter survival and stress tolerances of soft white winter wheat in Eastern Ontario. Can. J. Plant Sci. 77: 507-513.
2. Bertin, P., J. Bouharmont and J. M. Kinet. 1996. Somaclonal variation and improvement in chilling tolerance in rice: Changes in chilling- induced electrolyte leakage. Plant Breed. 115: 268-272.
3. Dubois, M., K. A. Gilles, J. K. Hamilton, P. A. Rebers and F. Smith. 1956. Colormetric method for determination of sugars and related substances. Anal. Chem. 28(3): 350-356.
4. Fowler, D. B. and L. V. Gusta. 1979. Selection for winter hardiness in wheat I. Identification of genotypic variability. Crop Sci. 19: 769-772.
5. Fowler, D. B., J. Dvorak and L. V. Gusta. 1977. Comparative cold hardiness of several *Triticum* species and *Secale cereale* L. Crop Sci. 17: 941-943.
6. Fowler, D. B., L. V. Gusta and N. J. Tyler. 1981. Selection for winter hardiness in wheat. III. Screening methods. Crop Sci. 21: 896-901.
7. Gusta, L. V. and T. H. H. Chen. 1987. The physiology of water and temperature stress. PP. 115-144. In: E. G. Heyne (Ed.), Wheat and Wheat Improvement. ASA, CSSA, and SSSA, Agron. Monograph 13, Madison, WI, USA.
8. Hommo, L. M. 1992. Hardening ability of some winter wheat, winter rye and winter barley varieties. Norwegian J. Agric. Sci. Supplement 7: 39-50.
9. Levitt, J. 1972. Responese of Plants to Environmental Stresses. Academic Press, New York.
10. Pulli, S. 1994. Conductivity testing for screening the winter hardiness of cereals, grasses and legumes. Nordisk Jordisk Jordbruksforskning 76(2): 58-59.
11. Yoshida, M. 1994. Physical state of crown water in overwintering wheat. Hokkaido Nat. Agric. Exp. Station: 49-52.